

# درس ۱۵

## خانم آئینه و خانم قوامی نژاد





تنها ثمره‌ی وجود انسان ، علم و دانش است ، پس اگر می‌خواهی واقعیت وجود خود را به نمایش بگذاری ، با دانش خود آن را به اثبات برسان . هیچ گاه سخنی نگو که نتوانی به آن عمل کنی، زیرا گفتار بی عمل ، فایده‌ای ندارد. برای رسیدن به پاداش جاویدان باید همیشه سعی و تلاش داشته باشی و گرنه به روزگار سختی دچار خواهی شد.

شبه جمله



شبه جمله : یعنی شبیه جمله . گاهی واژه‌ای بدون آن که در کنار فعلی قرار بگیرد ، معنای کاملی را منتقل می‌کند ؛ مثلاً وقتی می‌گوییم: «آه» منظورمان این است که از چیزی ناراحتیم یا حسرت می‌خوریم ؛ بنابراین واژه‌ی «آه» معنای کاملی را منتقل می‌کند ، پس به آن «شبه جمله» می‌گوییم .

در درس های گذشته آموخته‌ایم که «منادا» هم شبه جمله است زیرا معنای کاملی را منتقل می‌کند .

چند شبه‌جمله‌ی پر کاربرد : افسوس ، دریغا ، خوشا، به به ، آفرین ، احسنت ، بله ، خیر ، آری ، نه ، آو، وه



به واژه‌های کوتاه شده، "مخفف" می‌گویند.

چند واژه و ترکیب مخفف:

ره ← راه

شه ← شاه

کز ← که از

گر ← اگر

ز ← از

نِکو ← نیکو

هُشیار ← هوشیار

نَگه ← نگاه

دَگر ← دیگر

نَگه ← نگاه

کاین ← که این

کان ← که آن

کوته ← کوتاه

آر ← اگر

زان ← از آن

روبه ← روبه

کزین ← که از این

جاودان ← جاویدان





## پروین اعتصامی



نام اصلی او ، « رخشنده » بود. وی از شاعران بنام معاصر است. اولین سروده‌های پروین در مجله‌ی «بهار» که پدرش مدیر آن بود، منتشر شد. سروده‌های او در موضوعات اجتماعی، اخلاقی و انتقادی است. وی در سال ۱۳۲۰ در گذشت.

اثر: دیوان شعر



هم‌خانواده‌های مهم درس :



جاهل : جهل، جاهلیت ، مجهول

تعریف : عارف ، عرفان ، معروف

شبهه : شبیه ، شباهت ، مشابهت

موسم : اسم ، موسوم ، وسمه ( داغ )

حاصل : محصول ، تحصیل ، حصول

حکمت : حکیم ، حکیمانه

مزد : مزدور، دستمزد





بگریست :

دگر بار : دوباره

آوخ :

هیزم : چوب خشک

آتشگر:

گیتی: جهان

ادبار:

مزد: پاداش

خوار: پست ، حقیر

جور :

بنالید: ناله کرد ، گریه کرد

سپیدار: نام درختی است .

بیخ :

بُن : ریشه

شاخ : شاخه

تیشه :

جرم : گناه ، اشتباه

بس : کافی



موسم :

بَر کِشد: بلند کند

بار: محصول ، ثمر ، نتیجه

فرجام :

شام : شب

حکمت : دانش، علم

توده :

دگه : دُگان ، مغازه

هیمه: هیزم، چوب خشک، سرشاخه‌ی خشک درختان

جاهل :

دهقان :

ولیکن :

برافروخت : روشن کرد

بستاید: ستایش کند





۱. جملات و عبارات درست را از نادرست تشخیص داده و موارد نادرست را اصلاح کن.

الف) عبارت « این دکه و بازار » هم معنی « این گوی و این میدان » است.

ب) مصراع « کردار نکو کن ، که نه سودی ست ز گفتار » توصیه به درست سخن گفتن می کند.

پ) ضرب المثل « مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد » به انسان های ترسو اشاره می کند.

الف) درست

ب) نادرست (به رفتار صحیح و دوری از سخن بی عمل، توصیه می کند.)

پ) نادرست (به انسان های محتاط و کسانی که تجربه های تلخی

داشته اند، اشاره دارد.)





۲. ابیات زیر را به نثر روان بازگردان.

الف) از گفته‌ی ناکرده و بیهوده چه حاصل کردار نکو کن که نه سودی ست ز گفتار

ب) آوخ که شدم هیزم و آتشگر گیتی اندام مرا سوخت چنین ز آتش ادبار

پ) خندید بر او شعله که از دست که نالی ناچیزی تو کرد بدین گونه تو را خوار

ت) جز دانش و حکمت نبود میوه‌ی انسان ای میوه فروش هنر این دگه و بازار



الف) از سخن بی‌عمل و بی‌فایده، چه سودی می‌بری؟ رفتارت را درست کن که ثمره‌ای از سخن (تنها) به دست نمی‌آید.

ب) آه که من هیزم شدم و آتش زنده‌ی جهان، بدن مرا این‌گونه از آتش بدبختی سوزاند.

پ) شعله به او خندید که از دست چه کسی گریه می‌کنی؟ بی‌ارزش بودن خودت تو را این‌گونه، پست کرد.

ت) ثمره‌ی وجود انسان، چیزی جز دانش و علم نیست، ای آن که ادّعی دانش و فضیلت داری، بیا و آن را به همه نشان بده.



۳. واژه های متضاد را پیدا کرده و بنویس.

بیخ و بن ≠ شاخ

آسان ≠ دشوار

شام ≠ سحر

روز ≠ شب

۴. در هر عبارت، شبه جمله‌ها را مشخص کن.

الف) در خم زلف تو آویخت دل از چاه زرخ ( زرخ : چانه )

آه کز چاه برون آمد و در دام افتاد

ب) افسوس که شد دلبر و در دیده‌ی گریان

تحریر خیال خط او نقش بر آب است

پ) ادب و شرم تو را خسرو مه رویان کرد

آفرین بر تو که شایسته‌ی صد چندینی

الف) آه

ب) افسوس

پ) آفرین



۵. هم خانواده‌ی هر واژه را به آن متصل کن. (۲ مورد، اضافی است).

دستمزد



مجهول



موسوم



تحصیل



مراسم



حکیم



لهجه



حاصل



حکمت



مزد



جاهل



موسم



حاصل و تحصیل - حکمت و حکیم - مزد و دستمزد - جاهل و مجهول -

موسم و موسوم



۶. اشتباهات املائی موجود در ترکیبات زیر را اصلاح کن.

خوار و پست - موسم و هنگام - دانش و هکمت - هیمه و چوب خشک

# موسم - حکمت



۷. گزینه‌ی صحیح را انتخاب کن.

الف) در کدام گزینه ، واژه‌ی مخفف به کار نرفته است ؟

۱) از آن پس نهاد از بر خاک سر

چنین گفت کای داور دادگر

۲) از گفته‌ی ناکرده و بیهوده چه حاصل

کردار نکو کن ، که نه سودی ست ز گفتار

۳) آن قصه شنیدید که در باغ یکی روز

از جور تبر زار بنالید سپیدار

۴) آسان گذرد گر شب و روز و مه و سالت

روز عمل و مزد بود کار تو دشوار

ب) در کدام عبارت ، «که» حرف ربط نیست ؟

الف) آن شاخ که سر برکشد و میوه نیارد

ب) خندید بر او شعله که از دست که نالی

الف) گزینه‌ی «۳»: در گزینه‌های دیگر «کای، نکو، گر، مه» مخفف

هستند.

ب) گزینه‌ی «ب» «که» در اینجا، یعنی «چه کسی»، پس حرف ربط

نیست.



پ) کدام بیت ، سه جمله نیست ؟

- ۱) خندید بر او شعله که از دست که نالی  
ناچیزی تو کرد بدین گونه تو را خوار
- ۲) آن شاخ که سر بر کشد و میوه نیارد  
فرجام به جز سوختنش نیست سزاوار
- ۳) تا شام نیفتاد صدای تبر از گوش  
شد توده در آن باغ ، سحر، هیمه‌ی بسیار
- ۴) از گفته‌ی ناکرده و بیهوده چه حاصل  
کردار نکو کن که نه سودی ست ز گفتار

پ) گزینه‌ی «۳» دو جمله است.





حکایت زیر را خوانده و به سوالات مربوط به آن پاسخ بده .

گروهی از دانشمندان در بارگاه انوشیروان در مورد یکی از مصالح کشور سخن می گفتند و بزرگمهر که مقام بالاتری داشت، ساکت بود. به او گفتند: چرا با ما در این بحث سخن نمی گویی؟  
گفت: وزیران بر مثال اطبا هستند و طیب دارو ندهد جز به بیمار. پس چون بینم که رای شما، صواب است، مرا بر سر آن گفتن، حکمت نباشد.

مصالح: خوبی‌ها

اطبا: پزشکان

«گلستان سعدی»  
باب اول، با اندکی تغییر»





۱. بزرگمهر که بود؟

۲. بزرگمهر وزیران را به چه کسانی تشبیه کرد؟

۳. چرا بزرگمهر، ساکت بود؟

۴. سکوت کردن چه زمانی شایسته است؟

۱) از دانشمندان و وزیران دربار انوشیروان

۲) اطبّا

۳) چون نظر سایرین را درست می‌دانست و نیازی نمی‌دید سخنی بگوید.

۴) بازپاسخ

